



اهمیت مهارت‌های ارتباطی کودک/ به فرزندان خود نه گفتن را بیاموزید

مهارت‌های ارتباطی کلید رشد شخصیت اجتماعی کودک محسوب می‌شود. کودک از سه سالگی به تدریج از رفتارهای غریزی دور می‌شود و از مهارت‌های اکتسابی در رفتارش استفاده می‌کند.

خبرگزاری مهر-مهارت‌های ارتباطی کلید رشد شخصیت اجتماعی کودک محسوب می‌شود. کودک از سه سالگی به تدریج از رفتارهای غریزی دور می‌شود و از مهارت‌های اکتسابی در رفتارش استفاده می‌کند.

گوشه‌گیری کودکان و انزواطلبی از آشنایان نشانه اجتماعی نبودن آنان تلقی می‌شود. به نظر اغلب والدین گوشه‌گیری در اصطلاح به غریبی کردن تعبیر می‌شود و به تدریج رفع خواهد شد. با این حال گوشه‌گیری تنها نشانه اختلال در رشد شخصیت اجتماعی کودک نیست. ناسازگاری، بد خلقی، رفتارهای هیجانی به ویژه میان جمع، زود رنجی، خجالتی بودن، قهر کردن مکرر و بی دلیل، مرافعه هنگام بازی با گروه همسالان و نیز می‌تواند نشانه اجتماعی نبودن باشد و در دسر ساز شود.

کودکان به تربیع مهارت‌های رفتاری ارتباط با دیگران را می‌آموزند و شخصیت اجتماعی آنان از طریق ارتباط با والدین، اعضای خانواده، اقوام و دوستان و همچنین حضور در مدرسه مرحله به مرحله رشد می‌کند. اما عوامل بسیاری نیز این رشد را متوقف می‌سازد و انسان اجتماعی درون کودک، نوجوان و یا حتی جوان را کوچکتر از سن واقعی اش نگه می‌دارد. اختلال رشد اجتماعی کودک زندگی آینده وی را با نابسامانی و عقده‌های روانی پیچیده مواجه می‌کند و از شانس وی برای برخورداری از یک زندگی سالم و مولد و دستیابی به موفقیت‌های فردی و اجتماعی می‌کاهد.

الگوهای اجتماعی شدن

مهارت‌های ارتباطی کلید رشد شخصیت اجتماعی کودک محسوب می‌شود. کودک از 3 سالگی به تدریج از رفتارهای غریزی دور می‌شود و از مهارت‌های اکتسابی در رفتارش استفاده می‌کند. کودک از طریق مشاهده کردن می‌آموزد که میان روابط افراد مختلف با یکدیگر مناسبات نسبتاً ثابتی وجود دارد و تلاش می‌کند از این مناسبات الگوبرداری کند. احترام به بزرگترها، اظهار محبت، دست دادن و احوالپرسی و رفتارهای خاصی که از والدین و اعضای خانواده مشاهده می‌کند دنیای جدید پیش روی کودک می‌گشاید تا رفتار اجتماعی اش را گسترش دهد و به قول معروف همرنگ جماعت باشد.

مهارت‌های اجتماعی شدن در کودکان از مشاهده الگوهای رفتاری اطرافیان ناشی می‌شود به همین دلیل است که کودک را آینده رفتار والدین می‌دانند. کودک احترام گذاشتن، منظم بودن، محبت کردن، نحوه سخن گفتن و حتی شیوه بازی کردن را از والدین می‌آموزد. در حقیقت مناسبات خانوادگی را باید پایه مهارت‌های اجتماع کودک دانست. نقش خواهر و برادر بزرگتر در فرآیند اجتماعی شدن کودک بسیار پر رنگ می‌باشد. ارتباط و الگوپذیری کودک از خواهر و برادر بزرگتر در خانه تأثیری مستقیم و ملموس در رشد مهارت‌های اجتماعی کودک دارد. چون اعضای خانواده برای کودک الگوهای بی‌چون و چرا و قابل اعتمادی هستند و آنچه کودک در محیط خانواده یاد می‌گیرد در وجودش نهادینه می‌شود. در مقابل تک فرزندان مهارت اجتماعی کمتری دارند، چون الگوهای محدودتری برای یادگیری رفتار اجتماعی در اطراف خود می‌یابند.

نقش گروه همسالان نیز در این زمینه مهم است. کودک دوستانش را هم‌نوع خویش می‌داند و با آنها احساس هم ذات‌پنداری دارد. این ارتباط افقی در مقابل ارتباط عمودی با بزرگترها در ذهن و روان کودک بستر مناسبی برای یادگیری و پذیرش مهارت‌های اجتماعی ایجاد می‌کند.

ارتباط با گروه همسالان از حدود 10 سالگی تا پایان دوره بلوغ به شدت عاطفی و تنگاتنگ می‌شود و گاه کودک در بسیاری مسائل خود را جزو گروه و نه فردی مستقل می‌پندارد. اولین وظیفه والدین درباره مهارت‌های اجتماعی کودک ارائه الگوهای رفتاری مناسب به وی از طریق رفتار درست خویش است.

دخالت و توقع

صحبت با کودک درباره نحوه رفتار با دیگران و تذکر نکات منفی و مثبت رفتارهای وی، بهبود نقش حمایتی والدین، آزادی نسبی در

برقراری روابط اجتماعی، ارتقاء شناخت کودک نسبت به محیط های اجتماعی و مناسبات ویژه آنها و اجازه دادن به وی برای پرداختن به بازی های فکر و بدنی یا گروه همسالان مهمترین عواملی هستند که در رشد شخصیت اجتماعی کودکان ضروری است.

گاه رفتاری از سوی والدین عادی و حتی روزمره تلقی می شود بر روان کودک تاثیر منفی می گذارد و به اشکال مختلف او را از یادگیری و به کار بردن مهارت های اجتماعی باز می دارد. دخالت های نابجا و توقع زیاد در این حوزه یک نارسایی رفتاری شایع محسوب می شود. ممکن است والدین حتی در کوچکترین مسائل مربوط به کودک نظیر انتخاب رنگ لباس نیز دخالت کنند و ازاینکه نظر خود را به کودک تحمیل سازد ابایی نداشته باشند. کسب مهارت های اجتماعی به نوعی به خودآگاهی و خودباوری نیاز دارد که کودک از طریق استقلال شخصیتی به آن دست می یابد.

هنگامی که کودک امتناع کردن و نه گفتن را می آموزد سنگ بنای استقلال شخصیتی وی گذاشته می شود. در مقابل اگر والدین حق انتخاب و آزادی رای وی را سلب کنند کودک به فردی وابسته و پیرو تبدیل می شود که از خودباوری کافی برای یادگیری مهارت های اجتماعی و آزمون و خطای رفتارهای متنوع با دیگران برخوردار نیست. توقع ها نیز اغلب دردسرسازند. ممکن است توقع والدین برای به نمایش گذاشتن رفتاری شایسته از فرزندشان در یک جمع فامیلی به امر و نهی های شدیدی برای وی منجر شود که در تصور کودک در میان دیگران را امری دشوار حتی غیر ممکن جلوه دهد.

اثرات حمایت عاطفی

اغلب متخصصان علوم رفتاری حمایت عاطفی از کودک طی مراحل رشد را در شکل گیری شخصیت اجتماعی وی موثر می دانند. با این حال افراط و تفریط در این حوزه عادت های فراگیر است. حمایت بیش از اندازه کودک را وابسته و منفعل بار می آورد و اجازه بروز مشخصه های رفتاری و تعامل با دیگران را از وی سلب می کند. در مقابل ارضا نشدن نیازهای عاطفی مهارت های اجتماعی کودک را حول محور محبت جویی و حتی ترحم طلبی شکل می دهد.

نیازهای عاطفی شدید عقلانیت را از رابطه فرد با دیگران می زداید و او را آسیب پذیر می سازد. اگر کودک یا نوجوانی عاطفه را درخانه نیابد در جامعه به دنبال آن خواهد گشت و در این مسیر دام های هولناکی را پیش روی خود خواهد یافت.

نکته دیگر در حوزه مهارت های رفتار اجتماعی به مشکل بیش فعالی بازمی گردد. بیش فعالی کودکان عارضه ای است که باید از طریق مشاوره متخصصان و با روش های دارویی برطرف شود. درمان نشدن بیش فعالی عوارض منفی آن را در تمام دوران عمر گریبانگیر مبتلایان می سازد و چه بسا زندگی فرد را به کلی تباه و نابود می گرداند. ضعف مهارت های ارتباطی و اختلال در رشد سالم شخصیت اجتماعی کودکان می تواند آنان را در آینده به فردی بزهکار، پرخاشگر، منزوی، اجتماع ستیز یا مبتلا به بیماری روانی تبدیل کند. افراد موفق کسانی هستند که مهارت های ارتباطی و اجتماعی بیشتری دارند